

۱۰۰ اصطلاح مهم در سرمایه‌گذاری خطرپذیر



سرمایه‌گذار خطرپذیر (Venture Capitalist)

سرمایه‌گذارانی که در مراحل اولیه و مراحل میانی شرکت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند.



کمینه محصول پذیرفتنی (Minimum Viable Product MVP)

نمونه اولیه قابل اتکا از محصول یا خدماتی که یک شرکت در مراحل اولیه خود ارائه می‌دهد.



شتاب‌دهنده کسب‌وکار (Accelerator)

شتاب‌دهنده در مراحل اولیه تشکیل کسب‌وکار تا مدت معینی با آن‌ها همکاری می‌کند.



سهام اولیه (Primary Shares)

سهام جدیدی که برای فروش به سرمایه‌گذاران ارائه می‌شود و پیش از آن در اختیار سهام‌داری نبوده است.



تک شاخ (Unicorn)

به شرکت‌هایی از حوزه فناوری که ارزشی بالای یک میلیارد دلار پیدا می‌کنند، اطلاق می‌شود.



ترازنامه (Balance Sheet)

موقعیت مالی شرکت را در سه بخش سرمایه‌ها، بدهکاری‌ها و حقوق سهام‌داران نمایش می‌دهد.



حساب‌های دریافتی (Accounts Receivable)

مطالبات کوتاه‌مدتی که یک کارخانه طلب دارد و در ترازنامه مالی ثبت می‌شود.



حساب‌های پرداختی (Accounts Payable)

وقتی شرکت‌ها کالا یا خدمات را به صورت اعتباری تهیه می‌کنند، بدهی‌شان تحت عنوان حساب‌های پرداختی در ترازنامه ثبت می‌شود.



سرمایه‌گذاری‌های جایگزین (Alternative Investments)

نوعی از سرمایه‌گذاری که در دارایی‌هایی غیر از سهام سرمایه، اوراق قرضه و وجه نقد مانند املاک و مستغلات انجام می‌شود.



۹

نرخ اجرای سالیانه (Annualized Run Rat)

تجسم دقیقی از درآمد سالیانه پیش‌بینی‌شده برای شرکت است.



۱۰

ارزش‌گذاری مبتنی بر دارایی (Asset-Based Valuation)

برای این ارزش‌گذاری باید ارزش همه سرمایه‌ها را محاسبه کنید و بدهکاری‌ها را از آن کم کنید.



۱۱

پهنای باند (Bandwidth)

میزان دسترسی به یک شخص در یک بازه زمانی را مشخص می‌کند.



۱۲



روش برکوس (Berkus Method)

این روش یکی از تکنیک‌های اولیه ارزشیابی کسب‌وکارهایی است که به درآمد نرسیده‌اند.



ارزش دفتری (یک کارخانه) (Book Value (of a Company))

دارایی‌های گزارش شده یک کارخانه که از آن دارایی‌های نامشهود (مانند حق ثبت اختراع) و بدهی‌ها کم شده است.



نسبت سفارش‌های قبول شده به انجام شده (Book-to-Bill Ratio)

شاخصی برای پیش‌بینی میزان درآمد و سلامت مالی یک کسب‌وکار است.



دوره بازگشت هزینه جذب مشتری (CAC Payback Period)

مدت زمانی که طول می‌کشد تا هزینه جذب مشتری جبران شود.



بهره به تعویق افتاده (Carried Interest)

سهمی از سود که شرکا پس از بازگشت سرمایه دریافت می‌کنند.



صورت جریان نقدی (Cash Flow Statement)

به کسب‌وکار اجازه می‌دهد که جریان نقدی ورودی و خروجی را در یک بازه زمانی معین مشاهده کند.



تغییرات در سرمایه در گردش (Changes in Working Capital)

تغییرات میزان دارایی‌های موجود بدون احتساب بدهکاری را در طول یک دوره اندازه‌گیری می‌کند.



میدان فوتبال (Football Field)

نمودار منحصر به فردی که جزئیات همه تکنیک‌های ارزشیابی را به منظور رسیدن به ارزش نهایی نمایش می‌دهد.



نرخ رویگردانی (logo churn)

معمولا به میزان جذب مشتری- یا از دست دادن مشتری- در یک دوره معین گفته می‌شود.



۲۱

۲۲



هزینه فروش کالا (Cost of Goods Sold (COGS))

همه هزینه‌هایی را شامل می‌شود که شرکت برای تولید کالا یا ارائه یک خدمت متحمل می‌شود.

وصول (Collections)

وصول زمانی ثبت می‌شود که مشتری پول را می‌پردازد. (پیش یا پس از ارائه خدمات)



۲۳

۲۴



حساب کاهشنده حقوق سهام (Contra-Equity Account)

یک نوع حساب سهام که در آن پول از کسب‌وکار خارج می‌شود. مانند سهام خزانه‌داری

اضافه قیمت کنترلی (Control Premium)

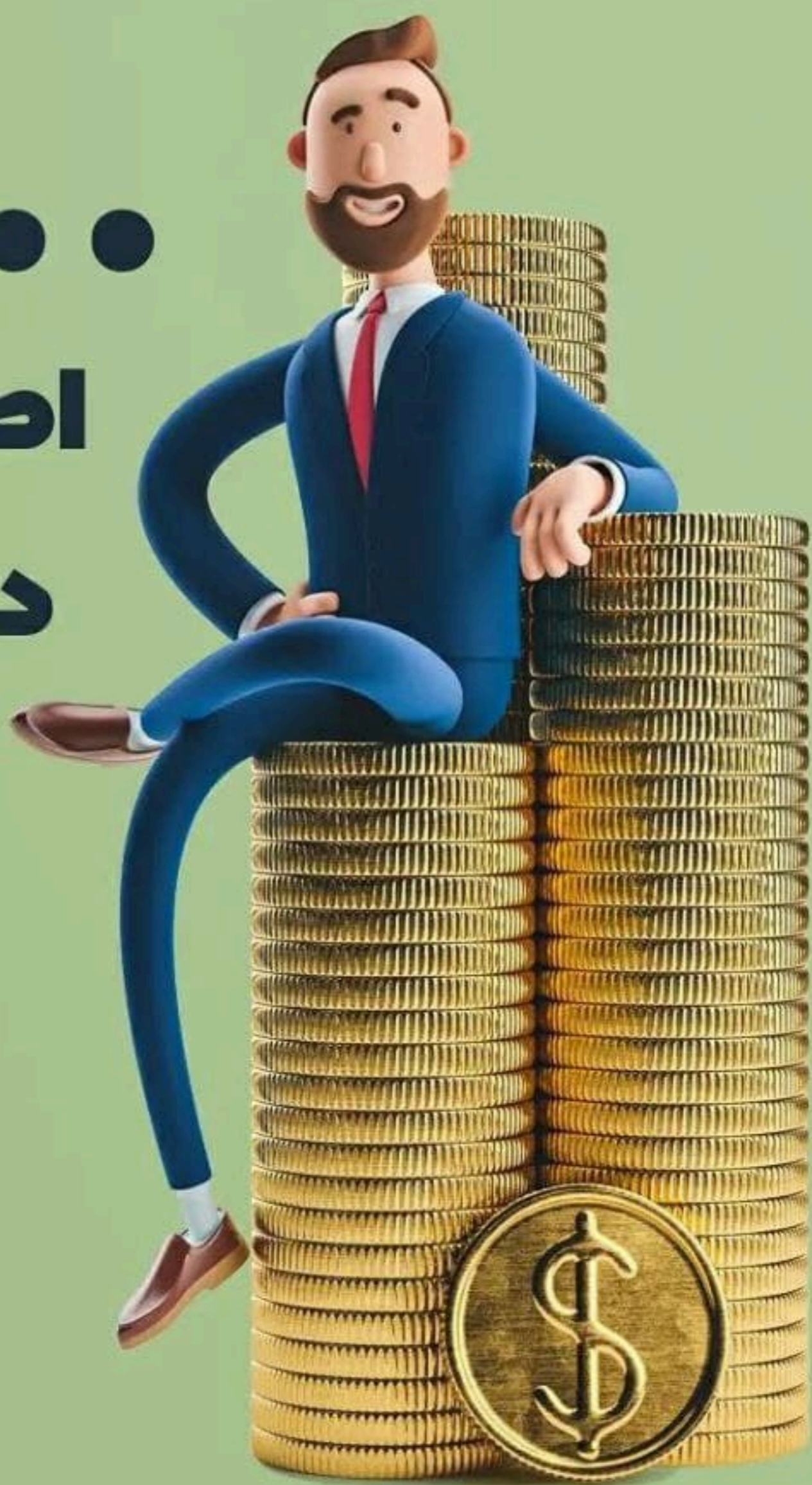
هزینه‌ای که کسب‌وکار برای تملک یک کارخانه می‌پردازد و ارزش آن از آنچه در بازار تصور می‌شود بیشتر است.



۲۵



۱۰۰ اصطلاح مهم در سرمایه‌گذاری خطرپذیر



دارایی‌های جاری (Current Assets)

دارایی‌هایی مانند پول نقد، حساب‌های دریافتی و حق اختراع که می‌تواند در طول یک سال نقد یا مصرف شود.



۲۶

بدهی‌های جاری (Current Liabilities)

تعهداتی که در طول یک دوره معین باید پرداخت شوند؛ از قبیل حساب‌ها، حقوق و بهره پرداختنی.



۲۷

نرخ ارزش طول عمر مشتری به هزینه جذب مشتری (CLV/CAC Ratio)

به نسبت هزینه کارخانه برای به دست آوردن یک مشتری جدید به ارزشی که در طول مدت زندگی آن مشتری می‌آفریند، می‌گویند.



۲۸

ارزش طول عمر مشتری (Customer Lifetime Value (CLV))

میزان درآمدی که کارخانه از مشتری، در طول مدتی که مشتری کارخانه است، به دست می‌آورد.



۲۹



رقیق‌سازی سهام (Dilution)

معمولا به کاهش مالکیت یا ارزش میان دوره‌های مالی اشاره می‌شود.



۳۰

نرخ تنزیل (Discount Rate)

نرخ‌ی است که کارخانه با توجه به آن ارزش دلارهای آتی را کاهش می‌دهد تا ارزش فعلی آنها را پیدا کند.



۳۱

جریان نقد تنزیلی

(Discounted Cash Flow (DCF))

یکی از روش‌های ارزش‌گذاری است، که به منظور برآورد دارایی‌های مالی و بررسی میزان جذابیت فرصت‌های سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرد.



۳۲

روش شیکاگو (Chicago Method)

یک روش جریان نقدی تنزیل شده است که احتمال سه سناریوی موفقیت، حاشیه راه و شکست را برای پیش‌بینی واقع‌گرایانه ارزش بنگاه یک شرکت تخمین می‌زند.



۳۳



سود ناخالص / حاشیه ناخالص سود (Gross Profit/Gross Margin)

سود ناخالص از طریق کم کردن درآمد خالص از هزینه اجناس فروخته شده (COGS) به دست می آید.



۳۴

ارزش ناخالص تراکنشها (Gross Transaction Value GTV)

ارزش مجموع تراکنشها بدون توجه به جهت جریان درآمد.



۳۵

صورت سود و زیان (P&L Statement)

عملکرد مالی و میزان سودده بودن آن در یک دوره معین را برای سرمایه گذار مشخص می کند.



۳۶

مالیات بر درآمد (Income Tax)

بخشی از درآمد را که شرکتها باید به دولت بپردازند، مالیات بر درآمد می نامند.



۳۷



نرخ بازده داخلی (Internal Rate of Return IRR)

IRR یک شاخص عملکرد برای ارزیابی سبد سرمایه‌گذاری در یک افق ۵ تا ۱۰ ساله است.



سهم اقلیت (Minority Interest)

در صورتی که یک شرکت، اکثریت سهام‌های یک شرکت را خریداری کند، سهام‌هایی که خریداری نشده را سهم اقلیت می‌نامند.



سهم اقلیت (Minority Stake)

اگر کمتر از ۵۰ درصد سهام یک شرکت خریداری شود، آن را سهم اقلیت می‌نامند.



خط اعتبار (Line of Credit)

مجموعه توافقات و قراردادی است که بین تامین‌کننده سرمایه به‌عنوان طلبکار و شرکت سرمایه‌پذیر وجود دارد که شرایط و سقف پول دریافت شده از طرف شرکت را در یک دوره معین تعیین می‌کند.



قطعه قطعه شدن بازار (Market Fragmentation)

این اصطلاح به ساختار بازار به لحاظ تعداد شرکت‌های رقیب اشاره دارد. هرچه تعداد شرکت‌های رقیب بیشتر باشد، بازار تفکیک‌شده‌تر است.



۴۲

سهام بالغ (Growth Equity)

سرمایه‌گذاری‌هایی که در مرحله‌های پیشرفته‌تر سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها انجام می‌گیرد تا شرکت به مرحله IPO برسد یا خریداری شود.



۴۳

عرضه اولیه سهام (Initial Public Offering IPO)

وقتی یک شرکت برای اولین بار سهام عمومی منتشر می‌کند و وارد بازار بورس می‌شود، از یک شرکت خصوصی به یک شرکت سهامی عام تبدیل می‌شود.



۴۴

ادغام و تملیک (Mergers & Acquisitions)

در این حالت کسب‌وکار توسط شرکتی معمولاً بزرگتر خریداری شده و یا با شرکتی دیگر ادغام می‌گردد.



۴۵



درآمد مکرر ماهانه

(Monthly Recurring Revenue MRR)

مجموع درآمد محاسبه شده یک شرکت در یک ماه معین که طبق قرارداد ملزم به تکرار در ماه بعد است.



۴۶

۴۷

درآمد خالص (Net Income)

بیانگر کل درآمد یک شرکت بعد از تفریق تمامی مخارج و مالیات‌ها در یک دوره معین است.



هزینه خالص بهره (Net Interest Expense)

بیانگر هزینه‌ای است که شرکت بابت قرض کردن بودجه مورد نیازش می‌پردازد.



۴۸

۴۹

ارزش خالص فعلی (Net Present Value NPV)

ارزش حال حاضر یک شرکت با احتساب تمامی جریان‌های نقدی ورودی و خروجی است.



تعهد بدهی (Debt Covenants)

ملزومات یا محدودیت‌هایی که یک کارخانه باید رعایت کند و در نظر بگیرد تا بتواند همه سرمایه را در طول زمان از شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر دریافت کند.



۵۰



ارزش خالص فعلی (Net Present Value NPV)

تمامی جریان‌های نقدی ورودی و خروجی را ارزش خالص فعلی می‌نامند.



۵۱

سرمایه پرداخت شده (Paid-in Capital PIC)

مقدار سرمایه‌ای است که سرمایه‌گذاران در یک دوره جذب سرمایه، به یک کسب‌وکار پرداخت کرده‌اند.



۵۲

بوت‌استرپ (Bootstrapped)

زمانی که گفته می‌شود یک شرکت بوت‌استرپ است، یعنی بودجه‌ی آن توسط خود کارآفرین یا بودجه‌ی خود شرکت تأمین شده است.



۵۳

سرمایه در گردش (Working Capital)

توانایی یک شرکت برای پوشش دادن بدهی‌های کوتاه‌مدتش است.



۵۴



۱۰۰ اصطلاح مهم در سرمایه‌گذاری خطرپذیر



سود عملیاتی / حاشیه سود عملیاتی (Operating Profit/Operating Margin)

یک شاخص اقتصادی GAAP است که بیان‌کننده سود به‌دست آمده از طریق فعالیت تجاری اصلی شرکت است.



۵۵

اثر شبکه (Network Effect)

چیزی که باعث می‌شود تجربه مشتری‌های بعدی نسبت به مشتری‌های قبلی شرکت بهتر باشد.



۵۶

مخارج عملیاتی (Operating Expenses OPEX)

مجموعه مخارج تولید را که دربرگیرنده سبدهای مخارج متعددی از قبیل مخارج فروش‌ها، مخارج عمومی و مدیریتی (SG&A) و هزینه تحقیق و توسعه (R&D) است، مخارج عملیاتی می‌نامند.



۵۷

مخارج غیرعملیاتی (Non-Operating Expenses)

هزینه‌ها و مخارجی که خارج از چرخه عملیاتی COGS (هزینه اجناس فروخته‌شده) و OPEX اتفاق می‌افتد؛ از قبیل انقضا و استهلاک و مخارج مربوط به بهره‌ها.



۵۸



۵۹



میانگین موزون هزینه سرمایه (Weighted Average Cost of Capital WACC)

بازدهی‌ای که سهام‌داران و وام‌دهندگان از یک شرکت انتظار دارند.

وام خطرپذیر (Venture Debt)

وقتی تزریق سرمایه به کسب‌وکارهای مراحل اولیه، به صورت وام‌هایی کوتاه‌مدت انجام می‌گیرد، به آن وام خطرپذیر می‌گویند.

۶۰



ارزشیابی (Valuation)

تعیین یا برآورد ارزش مالی فعلی یک کسب‌وکار را ارزشیابی می‌گویند.

۶۱



واگرایی ارزشیابی (Valuation Divergence)

به این پدیده اشاره دارد که ارزش سهام خصوصی مراحل اولیه یک شرکت مورد سرمایه‌گذاری، با نرخ بسیار پایین‌تر از نرخ رشد ارزش شرکت، رشد می‌کند.

۶۲



روش ارزشیابی

سرمایه‌گذاری خطرپذیر (Venture Capital Method)

روشی است که شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر به وسیله آن، با توجه به شرایط کنونی بازار و ضرایب متوسط در صنعتی که در آن فعالیت می‌کنند، ارزش یک شرکت را در هنگام خروج برآورد می‌کنند.



۶۳

سناریوی دست بالا (Upside Scenario)

پیش‌بینی‌ای که در آن یک شرکت داخل سبد سرمایه‌گذاری، بازده بسیار مطلوب و قابل اتکایی برای شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر خواهد داشت.



۶۴

سهام خزانه (Treasury Stock)

به آن سهامی از شرکت در بورس گفته می‌شود که خود شرکت دوباره از بازار بورس خریداری می‌کند.



۶۵

ارزش نهایی (Terminal Value)

ارزش شرکت در دوران بعد از افق پنج ساله که با روش‌هایی از قبیل تنزیل جریان‌های نقدی آینده، علاوه بر ارزش پیش‌بینی شده در این مدت به دست می‌آید.



۶۶



سرمایه‌گذاری پیش-بذری (Pre-seed investment)

به ابتدایی‌ترین مرحله تأمین وجه برای یک شرکت گفته می‌شود.



مرحله بذر (Seed Round)

سرمایه‌گذاری بذری، اولین مرحله رسمی تأمین وجه است که در آن حقوق صاحبان سهام هم تخصیص داده می‌شود.



سهام ثانویه (Secondary Shares)

سهامی از شرکت در بازار بورس که پیش از آن هم وجود داشته و در اختیار سرمایه‌گذاران جدید قرار می‌گیرد.



قانون یک سوم (Rule of Thirds)

یک روش ساده سرانگشتی برای ارزشیابی است که در آن یک سوم مالکیت شرکت را برای سرمایه‌گذاران پیش از درآمدزایی، یک سوم را برای صاحبان شرکت و یک سوم باقی مانده را برای مدیریت و مسئولان آینده شرکت در نظر می‌گیرند.



۱۰۰ اصطلاح مهم در سرمایه‌گذاری خطرپذیر



برد پول نقد (Runway)

آن مقدار از سرمایه خطرپذیر که در حساب بانکی شرکت باقی می‌ماند.



۷۱

بازده سرمایه‌گذاری (Return on Investment ROI)

یک ضریب مطلوب از مقدار پول سرمایه‌گذاری شده در یک کسب‌وکار که سرمایه‌گذاران در نتیجه سرمایه‌گذاری انجام شده، انتظار بازگشت آن را دارند.



۷۲

روش تجمیع عوامل ریسک

(Risk Factor Summation Method)

یک روش ارزشیابی شرکت‌هاست که در آن شرایط ریسک شرکت را تحت تاثیر عوامل متعدد ریسک و با در نظر گرفتن ارزش متوسط شرکت‌هایی که در همان منطقه قرار دارند، مورد بررسی قرار می‌دهند.



۷۳

حفظ سهم (Pro-Rata)

سرمایه‌گذاری‌هایی که در ادامه سرمایه‌گذاری اولیه در یک شرکت، جهت حفظ درصد مالکیت بر آن شرکت، انجام می‌شود.



۷۴

سهام ممتاز (Preferred Stock)

بخشی از سهام شرکت که دارای حق رای نیست، اما دارای سود پرداختی ثابت یا تکرارشونده است.



۷۵



ارزیابی موشکافانه (Due diligence)

به تحلیل سرمایه‌گذاران از وضعیت و پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری گفته می‌شود.



توافقنامه عدم افشاگری (NDA) Non-disclosure agreement))

به توافقنامه‌ای گفته می‌شود که طی آن هر ۲ طرف از اطلاعات حساس و محرمانه مانند اسرار تجارت محافظت می‌کنند.



سال برداشت (Harvest year)

سالی که در آن یک شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر از سرمایه‌گذاری در یک شرکت خارج می‌شود.



فرصت پولی (Found Money)

بدین مفهوم که کسب‌وکار به یک تامین‌کننده اجازه دهد تا جریان درآمدی کسب کند.



ارزش‌گذاری بعد از سرمایه‌گذاری (Post-Money Valuation)

به ارزشیابی که توسط شرکت بلافاصله پس از انجام کل سرمایه‌گذاری خطرپذیر صورت می‌گیرد، گفته می‌شود.



ارزش‌گذاری پیش از سرمایه‌گذاری (Pre-Money Valuation)

به ارزشیابی که توسط شرکت پیش از انجام یک مرحله سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد، گفته می‌شود.



نرخ آورد (Take Rate)

به میزانی از درآمد ناخالص یا ارزش ناخالص تراکنش‌ها (GTV) که کاملاً در اختیار شرکت قرار می‌گیرد، گفته می‌شود.



تملیک خصوصی (Take-Private)

به عمل خریداری تمامی سهام ممتاز یک شرکت سهامی عام گفته می‌شود.



صرف سهام (وجوه پرداخت شده مازاد بر ارزش اسمی سهام) (Additional Paid-In Capital)

هزینه‌ای که توسط سرمایه‌گذاران بیشتر از ارزش اسمی پرداخت شده است.



۸۴

مدل بلک - شولز (Black-Scholes Model)

یک مدل فرضی است که در سال ۱۹۷۳ فرموله شده است و قیمت اختیارات را برآورد می‌کند.



۸۵

هک رشد (Growth hacking)

به یک استراتژی متمرکز با استفاده از روش‌های کم هزینه برای رشد سریع یک شرکت اشاره دارد.



۸۶

جدول سرمایه‌گذاری - جدول ساختار سهامی جدول سهام‌داران (Capitalization Table)

حساب تمام سهام‌داران یک شرکت که در آن درصد مالکیت و ارزش سهام هر کدام در هر بار سرمایه‌گذاری مشخص شده است.



۸۷



جریان نقدی حاصل از تامین اعتبار (Cash Flow from Financing)

به جریان نقدی میان شرکت و طلبکاران گفته می‌شود.



۸۸

تحلیل مقایسه‌ای شرکت

(Comparable Companies Analysis (Comps))

روش ارزشیابی یک شرکت با در نظر گرفتن نمونه‌ای از کارخانه‌ها که در یک چیز مشترک هستند (مکان، محصول، صنعت، موقعیت جغرافیایی، ساختار بدهی و...).



۸۹

تامین مالی بدهی (Debt Financing)

زمانی است که یک شرکت با فروش اوراق قرضه، اوراق بهادار یا اوراق قرضه‌ی کوتاه مدت، برای سرمایه در گردش یا هزینه‌های سرمایه‌ای پول جمع‌آوری می‌کند.



۹۰

درآمد شناسایی شده (Recognized Revenue)

هنگامی که شرکت، خدمات قرارداد شده را برای مشتری به انجام رساند، درآمد به دست آمده به درآمد شناسایی شده تبدیل می‌شود.



۹۱



درآمد معوق (Deferred Revenue)



درآمدی که هنوز به حساب کارخانه نیامده است و بنابراین بدهی طرف مقابل محسوب می‌شود.

استهلاک و انقضا

(Depreciation and Amortization (D&A))



سنج‌های که با استفاده از آن هزینه یا میزان خرابی دارایی‌های فیزیکی در طول دوره زندگی‌شان محاسبه می‌شود.

محافظ ریسک کاهش قیمت (Downside Protection)



به محدود کردن یا کاهش ضرر یک سبد سهام در سرمایه‌گذاری با استفاده از پیمان‌ها یا قراردادهای سرمایه‌گذاری محدودتر گفته می‌شود.

تحلیل تراکنش‌های پیشین

(Precedent Transactions Analysis)



یک شیوه ارزشیابی شرکت‌هاست که این کار را با در نظر گرفتن تراکنش‌هایی (معاملاتی) که در پنج سال گذشته اتفاق افتاده‌اند، انجام می‌دهند.



درآمد انباشته (Retained Earnings)

این درآمد را با اضافه کردن درآمد خالص شرکت به درآمدهای نگهداری شده‌ی اولیه، و کسر سودهای پرداخت شده به سهامداران محاسبه می‌کنند.



97



ترجیح‌های آشکار (Revealed Preferences)

مدل‌های ترجیح آشکار شده فرض می‌کنند که ترجیح‌های مصرف‌کنندگان می‌توانند توسط عادت‌های خرید آنها آشکارسازی گردند.

کل بازار در دسترس

(Total Addressable Market TAM)

نشان‌دهنده اندازه کلی بازاری است که یک شرکت جدید قصد ورود به آن را دارد یا در حال حاضر خودش یکی از بازیگران آن بازار است.



99



جریان نقدی آزاد (Free Cash Flow (FCF))

جریان نقدی حاصل از عملیات بعد از کسر مالیات، بدون احتساب بدهی‌ها و هزینه‌های بهره شرکت است.

ارزش اسمی (Par Value)

کف قیمت سهام یک شرکت در بازار بورس را ارزش اسمی سهام می‌نامند و سهام نمی‌تواند با قیمت‌هایی کمتر از ارزش اسمی به فروش برسد.

